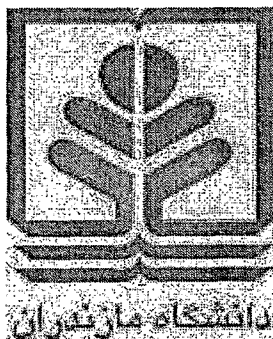


سلام افلاک

۱۰۸۰۳۷

۸۷/۱۱/۹۰۶۵۹  
۸۷/۱۱/۳



دانشگاه مازندران  
دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

بررسی جامعه شناختی پایان نامه های دانشجویان جامعه  
شناسی در مقطع دکتری  
(مورد دانشگاه های تهران، علامه طباطبایی، تربیت مدرس و  
واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی)

پایان نامه ای برای گرفتن درجه ی کارشناسی ارشد جامعه شناسی

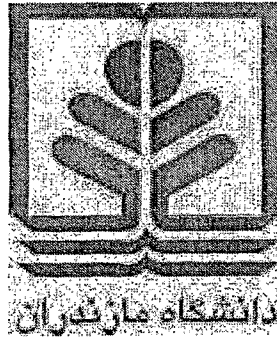
استاد راهنما: دکتر قربانعلی ابراهیمی

دانشجو: مهدی شیرزاد

شهریور ماه ۱۳۸۷

۱۳۸۷ / ۱۱ / ۱۵

۱۰۷۰۳۷



دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

بررسی جامعه شناختی پایان نامه های دانشجویان جامعه  
شناسی در مقطع دکتری  
(مورد دانشگاه های تهران، علامه طباطبایی، تربیت مدرس و  
واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی)

Sociological review of Ph.D. Dissertation (Case Study in  
University of Tehran, Allame\_Tabatabayi University, Tarbiyat  
Modarres University and Azad\_Islamic University)

پایان نامه ای برای گرفتن درجه ی کارشناسی ارشد جامعه شناسی

استاد راهنما: دکتر قربانعلی ابراهیمی

استاد مشاور: دکتر تقی آزاد ارمکی

دانشجو: مهدی شیرزاد

شهریور ماه ۱۳۸۷

تقدیم به:

پدرم،

بعد از خدا، مهم ترین پشت و پناهم

مادرم،

سنگ صبورم

و ساره،

آرام جانم

## چکیده:

این یک پژوهش توصیفی - اکتشافی است که با روش مطالعات اسنادی انجام می شود. من در این پایان نامه درصدد بررسی پایان نامه های دانشجویان جامعه شناسی در مقطع دکتری هستم. در پی آنم که بدانم این پایان نامه ها به لحاظ نظری و روشی و رعایت اسلوب پژوهش در چه وضعی هستند. جامعه ی آماری این پژوهش پایان نامه های دکترای جامعه شناسی است که تا پایان سال ۱۳۸۴ در دانشگاه های تهران، علامه طباطبایی، تربیت مدرس و واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی دفاع شده اند. من در این پژوهش از آمار توصیفی استفاده کرده ام. همچنین روش تفسیر انتقادی را نیز به استخدام در آورده ام. برای نمونه گیری نیز ترکیبی از روش های احتمالی و غیر احتمالی را به خدمت گرفته ام.

نتایج این تحقیق ادعای محمد فاضلی مبنی بر «ناکارآمدی جامعه شناسی در ایران» و ادعای قانعی راد مبنی بر «عدم تکوین اجتماع علمی در جامعه شناسی ایران» را تأیید می کنند. متأسفانه انباشت دانش در جامعه شناسی ایران صورت نمی گیرد؛ هر کس درصدد است از نو، چرخ را اختراع کند! در اغلب کارها مرور تحقیقات پیشین تنها برای خالی نبودن عریضه صورت می گیرد. در بیشتر پایان نامه های نمونه ی آماری، استاد، در زمینه ای راهنمایی دانشجو را بر عهده گرفته که قبلاً در آن پژوهشی نداشته یا علاقه ای از خود در آن زمینه نشان نداده است.

در جامعه شناسی ایران هیچ سنت فکری و نظری وجود ندارد. شما از هیچ گفتمان جامعه شناختی نمی توانید در جامعه شناسی ایران سراغ بگیرید. هیچ «برنامه ی پژوهشی» مشخصی در جامعه شناسی ایران دیده نمی شود؛ دانشجو نمی آموزد که کارهای علمی خود را در قالب یک «برنامه ی پژوهشی» پیش ببرد. افراد به سنت های فکری و معرفتی بی توجه هستند. جامعه شناسی ایران از نوعی «فهرری مذهبی»، التقاط و آشفتگی فکری و نظری در رنج است. متأسفانه دانشجویان دکتری چندان از منابع روز دنیا بهره مند نیستند. در یک نگاه کلی می توان گفت موضوعات مورد تحقیق در پایان نامه های دکتری بسیار متنوع، پراکنده و نابرابر توزیع شده اند؛ از بسیاری از موضوعات و رویدادهای مهم جامعه شناختی نیز غفلت شده است. نیمی از پایان نامه ها در نمونه ی آماری این پژوهش، در انتخاب موضوع، متأثر از تحولات جامعه و شرایط اجتماعی بوده اند و غیر از ۱ پایان نامه، بقیه ی آن ها بر خاسته از دغدغه ی ذهنی دانشجویان بوده اند. تنها در ۴۰ درصد پایان نامه های نمونه ی آماری چهارچوب نظری با اهداف تحقیق همخوان بوده است.

با وجود پراکندگی حاکم بر جامعه شناسی ایران، اما رنگ غالب پوزیتیویسم در آن دیده می شود؛ بیشتر پایان نامه ها از زاویه ی سوم شخص مفرد نوشته شده اند. کمتر کسی روایت خود را از جامعه ی ایران باز گفته است. بیشتر دانشجویان طوری با واقعیت برخورد کرده اند که گویی واقعیت، خود سخن می گوید و چیزی جز آن چه ایشان می گویند نیست.

متأسفانه ظاهراً بیشتر دانشجویان ابا داشته اند از این که مطلبی را به طور مستقیم از کسی نقل کنند؛ در بسیاری موارد حتی دانشجو، عیناً از جملات و کلمات فرد دیگری استفاده کرده، اما آن ها را به صورت غیر مستقیم نقل کرده است.

با تسامح می توان گفت تقسیم کار نانوشته ای در میان استادان جامعه شناسی ایران رخ داده است. عده ی معدودی کتاب می نویسند یا ترجمه می کنند. تعداد اندکی، کمتر از انگشتان دو دست، اما به صورتی کاملاً حرفه ای، در مجلات خارجی مقاله چاپ می کنند یا در سمینارهای بین المللی شرکت می کنند. عده ی کثیری، اما به صورت نابرابر به مجلات علمی یا سمینارهای داخلی مقاله می دهند. در بین این عده، اقلیتی هستند (حدود ۳۳ درصد پاسخ گویان) که کاملاً حرفه ای و به شیوه ی تولید انبوه مقاله می نویسند. کسر کوچکی از مقالات، پشتوانه ی پژوهشی دارند. عده ی کثیر دیگری نیز مجری یا همکار طرح های پژوهشی هستند. کسی به طور دقیق نمی داند چه تعداد طرح پژوهشی و با چه کیفیتی توسط استادان علوم اجتماعی اجرا شده و می شود. طرح های پژوهشی نیز به صورت نابرابر اجرا می شوند. اقلیتی هستند که با استفاده از روابط و نه لزوماً با توجه به صلاحیت های تخصصی، به صورت حرفه ای و حتی سوداگرانه طرح پژوهشی می گیرند و اجرا می کنند. اقلیت دیگری هم هستند که روی به تدریس در دانشگاه آزاد یا دیگر مؤسسات آموزش عالی آورده اند. این عده، عموماً کسانی هستند که میل عجیبی به راهنمایی و مشاوره ی پایان نامه های دانشجویان دارند. آن ها بدون در نظر گرفتن ملاحظات آکادمیک، در هر زمینه و گرایش تخصصی خود را استاد و صاحب نظر می دانند و به صورت بسیار پراکنده و نامنظم در فعالیت پژوهشی دانشجویان شریک می شوند، بدون آن که سابقه ای از پژوهش در آن زمینه داشته باشند.

با این وجود، نکته ی جالب این جاست که بیشترین فراوانی پایان نامه های جامعه ی آماری این پژوهش، از نظر حوزه ی تخصصی مربوط به سه گرایش جامعه شناسی سیاسی (۱۳/۳٪ کل پایان نامه ها)، جامعه شناسی آسیب های اجتماعی (۱۰/۶٪) و جامعه شناسی توسعه (۱۰/۶٪) می باشند.

**کلید واژه ها:** پایان نامه، دانشجو، استاد، دانشگاه، جامعه شناسی، پژوهش، نظریه، روش تحقیق.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۵	پیشگفتار
۱۹	مقدمه
۲۸	فصل اول: طرح مسأله
۲۹	طرح مسأله
۲۹	اهمیت و ضرورت مسأله
۳۰	چهارچوب مفهومی
۳۲	مروری بر کارهای پیشین
۳۴	فصل دوم: مروری بر وضعیت امروز جامعه شناسی در ایران
۴۲	فضای توجه دانشجویان به کتاب ها
۴۳	فضای توجه دانشجویان به متفکران کلاسیک و معاصر
۴۴	فضای توجه استادان به متفکران کلاسیک و معاصر
۴۶	مقایسه ی فضاهای توجه استادان و دانشجویان به متفکران کلاسیک و معاصر
۴۸	نظر استادان راجع به استادان مؤثر در پیشرفت رشته ی علوم اجتماعی
۴۹	همکاری استاد و دانشجو
۵۲	همکاری استادان با یکدیگر
۵۴	چرا گروه های دو نفره؟
۵۷	جامعه شناسی ایران پزیتیویستی است.
۶۰	پژوهش برای کیست؟
۶۲	دانشجوی برنده، تکنسین مرید استاد
۶۷	فصل سوم: روش تحقیق
۶۸	مقدمه
۷۰	جامعه ی آماری
۷۳	روش نمونه گیری
۷۹	شیوه استخراج داده

۸۰	روش تفسیر انتقادی
۸۳	فصل چهارم: یافته های پژوهش
۸۴	مقدمه
۸۵	بخش اول: ویژگی ها و یافته های حاصل از جامعه ی آماری و نمونه ی آماری
۸۶	قسمت اول: مشخصات جامعه ی آماری
۱۳۳	قسمت دوم: مشخصات نمونه ی آماری
۱۳۳	الف) مشخصات شناسنامه ی پایان نامه ها
۱۴۶	ب) مشخصات کلی و عمومی پایان نامه ها
۱۵۶	ج) مشخصات «بخش نظری» پایان نامه ها
۱۶۰	د) مشخصات «بخش روش شناسی» پایان نامه ها
۱۷۸	م) مشخصات «بخش یافته ها و تجزیه و تحلیل داده ها» در پایان نامه ها
۱۸۳	و) مشخصات «بخش منابع و مآخذ» در پایان نامه ها
۱۹۲	ه) مشخصات «بخش ضمایم» در پایان نامه ها
۱۹۷	ی) مشخصات یافته های حاصل از سوالات باز فرم استخراج داده از پایان نامه ها
۲۰۵	بخش دوم: تفسیر انتقادی پایان نامه ها
۲۱۲	فصل پنجم: خلاصه، جمع بندی، نتیجه گیری
۲۱۳	بخش اول: ویژگی ها و یافته های حاصل از جامعه ی آماری و نمونه ی آماری
۲۱۳	قسمت اول: مشخصات جامعه ی آماری
۲۱۹	قسمت دوم: مشخصات نمونه ی آماری
۲۱۹	الف) مشخصات شناسنامه ی پایان نامه ها
۲۲۱	ب) مشخصات کلی و عمومی پایان نامه ها
۲۲۳	ج) مشخصات «بخش نظری» پایان نامه ها
۲۲۴	د) مشخصات «بخش روش شناسی» پایان نامه ها
۲۲۷	م) مشخصات «بخش یافته ها و تجزیه و تحلیل داده ها» در پایان نامه ها
۲۲۹	و) مشخصات «بخش منابع و مآخذ» در پایان نامه ها
۲۳۱	ه) مشخصات «بخش ضمایم» در پایان نامه ها
۲۳۲	ی) مشخصات یافته های حاصل از سوالات باز فرم استخراج



داده از پایان نامه ها

بخش دوم: تفسیر انتقادی پایان نامه ها

جمع بندی و نتیجه گیری

منابع و مأخذ

ضمایم

فرم الف

فرم ب

۲۳۴

۲۳۸

۲۴۲

۲۴۷

۲۴۸

۲۶۰

## فهرست جدول ها

شماره صفحه	عنوان جدول
۴۸	جدول شماره ۱: استادان ایرانی مؤثر در پیشرفت رشته
۷۱/۱	جدول شماره ۲: جامعه ی آماری در زمان نمونه گیری
۷۴	جدول شماره ۳: نمونه ی آماری
۸۶	جدول شماره ۴: جامعه ی آماری به تفکیک دانشگاه ها
۸۷	جدول شماره ۵: جامعه ی آماری به تفکیک دانشگاه و سال دفاع از پایان نامه
۸۸	جدول شماره ۶: نام استادان جامعه ی آماری و سهم صوری هر یک در به ثمر رسیدن پایان نامه ها بر مبنای سِمَت در پایان نامه ها
۹۳	جدول شماره ۷: نام استادان راهنمای جامعه ی آماری
۹۴	جدول شماره ۸: نام استادان مشاور جامعه ی آماری
۹۷	جدول شماره ۹: نام استادان داور جامعه ی آماری
۱۰۰	جدول شماره ۱۰: شاخص های مرکزی و پراکندگی فراوانی راهنمایی ها، مشاوره ها، داوری ها و مجموع راهنمایی و مشاوره های استادان جامعه ی آماری
۱۰۱	جدول شماره ۱۱: نابرابری در اثرگذاری استادان بر پایان نامه ها در جامعه ی آماری
۱۰۲	جدول شماره ۱۲: مقایسه ی دانشگاه آزاد با دانشگاه تهران و مجموع دانشگاه های دولتی از نظر فراوانی راهنمایی ها و مشاوره های استادان راهنما و مشاور
۱۰۴	جدول شماره ۱۳: تعداد راهنمایی های استادان راهنمای دانشگاه آزاد در جامعه ی آماری
۱۰۵	جدول شماره ۱۴: تعداد مشاوره های استادان مشاور دانشگاه آزاد در جامعه ی آماری
۱۰۶	جدول شماره ۱۵: تعداد راهنمایی و مشاوره های استادان راهنما یا مشاور دانشگاه آزاد در جامعه ی آماری
۱۰۷	جدول شماره ۱۶: تعداد راهنمایی های استادان راهنمای دانشگاه تهران در جامعه ی آماری
۱۰۸	جدول شماره ۱۷: تعداد مشاوره های استادان مشاور دانشگاه تهران در جامعه ی آماری
۱۰۹	جدول شماره ۱۸: تعداد راهنمایی و مشاوره های استادان راهنما یا مشاور دانشگاه تهران در جامعه ی آماری
۱۱۰	جدول شماره ۱۹: تعداد راهنمایی های استادان راهنمای دانشگاه های دولتی در جامعه ی آماری
۱۱۱	جدول شماره ۲۰: تعداد مشاوره های استادان مشاور دانشگاه های دولتی در جامعه ی آماری
۱۱۴	جدول شماره ۲۱: تعداد راهنمایی و مشاوره های استادان راهنما یا مشاور دانشگاه های دولتی در جامعه ی آماری
۱۱۶	جدول شماره ۲۲: مرتبه ی علمی استادان راهنما، مشاور و داور جامعه ی آماری

- ۱۱۹ جدول شماره ۲۳: مقایسه ی مرتبه علمی «استادان راهنما یا مشاور» دانشگاه آزاد و دانشگاه تهران
- ۱۲۰ جدول شماره ۲۴: مقایسه ی مرتبه علمی «استادان راهنما یا مشاور» دانشگاه آزاد و مجموع دانشگاه های دولتی
- ۱۲۱ جدول شماره ۲۵: مقایسه ی مرتبه علمی «استادان راهنما یا مشاور» دانشگاه تهران و مجموع دانشگاه های علامه طباطبایی و تربیت مدرس
- ۱۲۲ جدول شماره ۲۶: نام محلّ استخدام استادان راهنما، مشاور، داور و مجموع استادان راهنما و مشاور در جامعه ی آماری
- ۱۲۳ جدول شماره ۲۷: نوع پایان نامه های جامعه ی آماری به لحاظ نظری
- ۱۲۴ جدول شماره ۲۸: نوع پایان نامه های جامعه ی آماری به لحاظ روشی
- ۱۲۵ جدول شماره ۲۹: حوزه ی تخصصی پایان نامه های جامعه ی آماری
- ۱۲۷ جدول شماره ۳۰: حوزه ی تخصصی پایان نامه های جامعه ی آماری به تفکیک دانشگاه ها
- ۱۲۹ جدول شماره ۳۱: پایان نامه های جامعه ی آماری به چه کسی اهدا شده اند؟
- ۱۳۰ جدول شماره ۳۲: شاخص های مرکزی و پراکندگی تعداد منابع فارسی و لاتین پایان نامه های جامعه ی آماری
- ۱۳۰ جدول شماره ۳۳: تعداد منابع فارسی و لاتین پایان نامه های جامعه ی آماری
- ۱۳۵ جدول شماره ۳۴: نام استادان نمونه ی آماری و سهم صوری هر یک در به ثمر رسیدن پایان نامه ها بر مبنای سِمَت در پایان نامه ها
- ۱۳۸ جدول شماره ۳۵: شاخص های مرکزی و پراکندگی فراوانی راهنمایی ها، مشاوره ها، داووزی ها و مجموع راهنمایی و مشاوره های استادان نمونه ی آماری
- ۱۳۹ جدول شماره ۳۶: مرتبه ی علمی استادان راهنما، مشاور و داور نمونه ی آماری
- ۱۴۰ جدول شماره ۳۷: مقایسه ی مرتبه ی علمی استادان راهنما و مشاور در نمونه ی آماری
- ۱۴۱ جدول شماره ۳۸: مقایسه ی مرتبه ی علمی استادان مشاور و داور در نمونه ی آماری
- ۱۴۲ جدول شماره ۳۹: مقایسه ی شاخص های مرکزی و پراکندگی مرتبه ی علمی استادان راهنما، مشاور و داور نمونه ی آماری و جامعه ی آماری
- ۱۴۲ جدول شماره ۴۰: مقایسه ی مرتبه ی علمی استادان راهنمای نمونه آماری و جامعه ی آماری
- ۱۴۳ جدول شماره ۴۱: مقایسه ی مرتبه ی علمی استادان مشاور نمونه آماری و جامعه ی آماری
- ۱۴۳ جدول شماره ۴۲: مقایسه ی مرتبه ی علمی استادان داور نمونه آماری و جامعه ی آماری
- ۱۴۵ جدول شماره ۴۳: نام محلّ استخدام استادان راهنما، مشاور، داور در نمونه ی آماری
- ۱۴۶ جدول شماره ۴۴: نوع پایان نامه های نمونه ی آماری به لحاظ نظری
- ۱۴۶ جدول شماره ۴۵: نوع پایان نامه های نمونه ی آماری به لحاظ روشی
- ۱۴۷ جدول شماره ۴۶: حوزه ی تخصصی پایان نامه های نمونه ی آماری

- جدول شماره ۴۷: پایان نامه های نمونه ی آماری به چه کسی اهدا شده اند؟ ۱۴۸
- جدول شماره ۴۸: میزان انطباق پایان نامه های نمونه ی آماری با نمونه ی آرمانی یک پایان نامه ی متعارف در جامعه شناسی ایران ۱۴۹/۱
- جدول شماره ۴۹: وضعیت سؤال تحقیق در پایان نامه ها ۱۵۱
- جدول شماره ۵۰: وضعیت مبانی نظری تحقیق در پایان نامه ها ۱۵۲
- جدول شماره ۵۱: وضعیت «مرور تحقیقات پیشین». تحقیق در پایان نامه ها ۱۵۲
- جدول شماره ۵۲: شاخص های مرکزی و پراکندگی منابع علمی مختلفی که در پایان نامه ها مرور شده اند. ۱۵۳
- جدول شماره ۵۳: فراوانی رجوع به منابع مختلف علمی در نمونه ی آماری ۱۵۴
- جدول شماره ۵۴: پارادایم تئوری های مورد استفاده در چهارچوب نظری ۱۵۷
- جدول شماره ۵۵: روش نمونه گیری پایان نامه ها در نمونه ی آماری ۱۶۱
- جدول شماره ۵۶: واحد تحلیل پژوهش در پایان نامه های نمونه ی آماری ۱۶۲
- جدول شماره ۵۷: واحد تحلیل پژوهش در پایان نامه های نمونه ی آماری به تفکیک دانشگاه ها ۱۶۳
- جدول شماره ۵۸: منبع اخذ فرضیه در پایان نامه های نمونه ی آماری ۱۶۴
- جدول شماره ۵۹: تعداد فرضیه های ارائه شده در پایان نامه ها ۱۶۵
- جدول شماره ۶۰: شاخص های مرکزی و پراکندگی تعداد فرضیه های ارائه شده در پایان نامه ها ۱۶۶
- جدول شماره ۶۱: وضعیت تعاریف مفهومی و تعاریف عملیاتی متغیرها در پایان نامه ها ۱۶۸
- جدول شماره ۶۲: شاخص های به کار رفته در پایان نامه ها از کجا آورده شده اند؟ ۱۶۹
- جدول شماره ۶۳: وضعیت سنجش متغیرها در پایان نامه ها ۱۷۰
- جدول شماره ۶۴: تکنیک های جمع آوری داده در پایان نامه ها ۱۷۱
- جدول شماره ۶۵: تکنیک های داوری و نتیجه گیری در پایان نامه ها ۱۷۲
- جدول شماره ۶۶: وضعیت «بیان مشخصات نمونه ی آماری» و «آزمون فرضیه ها» در پایان نامه ها ۱۷۴
- جدول شماره ۶۷: تعداد فرضیات تأیید یا رد شده در پایان نامه های نمونه ی آماری به تفکیک پایان نامه ها ۱۷۵
- جدول شماره ۶۸: تعداد فرضیات تأیید یا رد شده در پایان نامه های نمونه ی آماری به طور کلی ۱۷۶
- جدول شماره ۶۹: وضعیت «تجزیه و تحلیل داده ها» در پایان نامه ها ۱۷۸
- جدول شماره ۷۰: رابطه ی «تبیین تئوریک یافته های تحقیق» و «انسجام (consistency) پایان نامه» در پایان نامه های نمونه ی آماری ۱۸۰
- جدول شماره ۷۱: وضعیت توصیه ها و راه حل های پیشنهادی پایان نامه ها ۱۸۲
- جدول شماره ۷۲: شاخص های مرکزی و پراکندگی تعداد منابع فارسی و لاتین پایان نامه های جامعه ی آماری و نمونه ی آماری ۱۸۳

- جدول شماره ۷۳: تعداد منابع فارسی و لاتین پایان نامه های نمونه ی آماری  
۱۸۳
- جدول شماره ۷۴: مقایسه ی میانگین های تعداد منابع فارسی مورد استفاده در پایان نامه های  
جامعه ی آماری و نمونه ی آماری  
۱۸۶
- جدول شماره ۷۵: مقایسه ی میانگین های تعداد منابع لاتین مورد استفاده در پایان نامه های  
جامعه ی آماری و نمونه ی آماری  
۱۸۶
- جدول شماره ۷۶: وضعیت ارجاع به منابع در پایان نامه ها  
۱۸۷
- جدول شماره ۷۷: وضعیت ارجاع به آثار و تألیفات استاد راهنما در پایان نامه ها  
۱۸۸
- جدول شماره ۷۸: فراوانی ارجاع به آثار استاد راهنما در پایان نامه ها  
۱۸۹
- جدول شماره ۷۹: ارجاع به پژوهش های قبلی دانشجو و سایت های اینترنتی در پایان نامه ها  
۱۸۹
- جدول شماره ۸۰: فراوانی مراجعه ی دانشجویان به کارهای علمی قبلی شان در پایان نامه  
هایشان  
۱۹۰
- جدول شماره ۸۱: انواع ضمیمه های پایان نامه ها  
۱۹۲
- جدول شماره ۸۲: وضعیت «جدول شماره ها و نمودارها»، «کلید واژه ها» و «تمایه ها» در پایان  
نامه ها  
۱۹۳
- جدول شماره ۸۳: وضعیت چکیده یا خلاصه ی پایان نامه ها  
۱۹۳
- جدول شماره ۸۴: وضعیت «نثر سوم شخص مفرد» در پایان نامه های نمونه ی آماری  
۱۹۵
- جدول شماره ۸۵: نثری غیر از نثر «سوم شخص مفرد» در چه فصل یا فصولی به کار رفته است؟  
۱۹۶
- جدول شماره ۸۶: تکنیک های آماری مورد استفاده در پایان نامه های نمونه ی آماری  
۲۰۲
- جدول شماره ۸۷: مهم ترین مشکلات و موانعی که دانشجویان در انجام پژوهش، با آن ها مواجه  
بوده اند.  
۲۰۴

## فهرست نمودارها

شماره صفحه	عنوان نمودار	
۱۳۱	نمودار شماره ۱: تعداد منابع فارسی پایان نامه های جامعه ی آماری	
۱۳۱	نمودار شماره ۲: تعداد منابع لاتین پایان نامه های جامعه ی آماری	
۱۳۳	نمودار شماره ۳: نمونه ی آماری به تفکیک دانشگاه ها	
۱۳۳	نمودار شماره ۴: دانشگاه های دولتی در نمونه ی آماری	
۱۴۹	نمودار شماره ۵: عامل اصلی انتخاب موضوع پایان نامه چه بوده است؟	
۱۵۴	نمودار شماره ۶: نحوه ی استفاده از مطالعات پیشین در پایان نامه های نمونه ی آماری	
۱۵۶	نمودار شماره ۷: وجود یا عدم چهارچوب نظری در پایان نامه های نمونه ی آماری	
۱۵۷	نمودار شماره ۸: تئوری های مورد استفاده در چارچوب نظری بیشتر در کدام قالب می گنجند؟	
۱۵۸	نمودار شماره ۹: تضادی یا وفاقی بودن رویکرد نظری پایان نامه ها	
۱۵۸	نمودار شماره ۱۰: آیا چارچوب نظری با اهداف تحقیق همخوان است؟	
۱۵۹	نمودار شماره ۱۱: آیا در پایان بخش نظری، مدل تحقیق نیز ارائه شده است؟	
۱۶۰	نمودار شماره ۱۲: نوع روش مطالعاتی پایان نامه های نمونه ی آماری	
۱۶۴	نمودار شماره ۱۳: آیا در پایان نامه فرضیه ارائه شده است؟	
۱۶۷	نمودار شماره ۱۴: آیا فرضیه های ارائه شده با عنوان تحقیق مربوط می شوند؟	
۱۶۷	نمودار شماره ۱۵: نوع تحلیل	
۱۷۲	نمودار شماره ۱۶: آیا آزمون مقدماتی (Pilot Study) در پایان نامه ها انجام گرفته است؟	
۱۷۳	نمودار شماره ۱۷: نحوه ی داده پردازی در پایان نامه ها	
۱۸۱	نمودار شماره ۱۸: آیا دانشجوی در تبیین نتایج پایان نامه از جانب خود نیز اظهار نظر کرده است؟ یا کار او صرفاً کپی برداری از تئوری ها بوده است؟	
۱۹۱	نمودار شماره ۱۹: نوع نقل قول های پایان نامه های نمونه ی آماری	
۱۹۴	نمودار شماره ۲۰: آیا پایان نامه ویراستاری شده است؟	
۱۹۴	نمودار شماره ۲۱: شیوایی و روانی نثر پایان نامه چگونه است؟	
۱۹۵	نمودار شماره ۲۲: تا چه اندازه در پایان نامه اطناب و پرگویی دیده می شود؟	

## پیشگفتار:

در شرح احوال حضرت مولانا جلال الدین آورده اند که روزی کارگری مسیحی را برای تعمیر منزل به خانه آورده بود. شاگردان و مریدان مولانا گرد کارگر حلقه زدند و به صد زبان و برهان کوشیدند او را به آداب مسلمانی در آورند. کارگر مسیحی در پاسخ گفت: "من برهان و بیان شما را حرمت می نهم، اما از روی عیسی مسیح شرمگینم که پس از ۴۰ سال پیروی از او به آیین دیگری در آیم." مولانا با شنیدن این پاسخ، منقلب شد و گفت: مسلمانی، همین شرم است!

حال، حکایت، حکایت بنده است. در این دوره ی تحصیلی، به صد برهان و دلیل بارها و بارها به این نتیجه رسیدم که عطای فوق لیسانس را به لقای آن ببخشم و دو، سه مرتبه نیز تا مرز انصراف از تحصیل پیش رفتم، اما شرم از مهربانی و محبت عزیزانی مرا از این کار بازداشت.

تابستان ۸۲ به دلایل سیاسی زندان بودم. پاییز ۸۲ درگیر دادگاه و عوارض حاصل از زندان بودم. بهمن ۸۲ بدون این که حتی یک ساعت درس خوانده باشم، در آزمون کارشناسی ارشد شرکت کردم و در دوره ی شبانه در کرمان قبول شدم. اواسط مهر ماه ۸۳ بود که در تکمیل ظرفیت، در دانشگاه مازندران پذیرفته شدم. در همان زمان کمیته انضباطی دانشگاه شهید باهنر کرمان در ظاهر بنا به دستور هیأت مرکزی گزینش استاد و دانشجو و در اصل به دستور وزارت اطلاعات، مرا احضار کرد تا به جرم گناه نکرده به زور از من تعهد بگیرند که دیگر، کاری نخواهم کرد. درگیر شدم و تعهد نیدادم. تا ماه ها گرفتار گزینش بودم و دانشگاه کرمان پرونده ی تحصیلی ام را به دانشگاه مازندران ارسال نمی کرد. در نهایت پس از ماه ها دوندگی، مسأله از طریق رئیس جمهور وقت، جناب آقای خاتمی، حل شد. در خلال همین مسأله، احضاریه آمد و بابت پرونده ی سال ۸۲ به دادگاه فرا خوانده شدم. به جرم موهوم «اجتماع و تبانی جهت اقدام علیه امنیت ملی» به دو سال حبس تعلیقی محکوم شدم.

در همان سال اول در رفت و آمد پر رنج و خطر جاده ی هراز بارها و بارها مرگ را با چشمان خود دیدم و به لطف خدا جان سالم بدر بردم. افسوس که در همان سال یکی از همکلاسی هایم در همین جاده در اثر ریزش کوه، به رحمت ایزدی پیوست. به خاطر ترس خودم و نگرانی های مادرم، ترم سوم و چهارم در دانشگاه تهران و تربیت معلّم تهران به صورت تکدرس مهمان شدم. موافقت گروه جامعه شناسی دانشگاه مازندران با مهمان شدن من لطف بسیار بزرگی بود.

اردیبهشت ۸۵ دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران صحنه ی اعتراضات دانشجویی بود. در پی آن غائله، کمیته انضباطی دانشگاه تهران مرا به یک ترم محرومیت از تحصیل محکوم کرد. کار به

جایی رسید که جناب آقای دکتر کچوییان بر بی گناهی من شهادت نامه نوشت. ماه ها ماجرا ادامه پیدا کرد تا در نهایت، آن قصّه نیز حل شد.

اواخر آذر ۸۵ بود که از دانشگاه تربیت معلّم تهران با من تماس گرفتند و ۱۶ ماه پس از ارائه ی تقاضای مهمانی من به آن دانشگاه و پس از این که یک ترم (ترم پاییز ۸۴) کلاس رفته بودم، تکلیف و تحقیق انجام داده بودم و در امتحانات شرکت کرده بودم، اعلام کردند که با مهمانی من موافقت نشده است و با بی شرمی تمام مرا مهمان ناخوانده نامیدند و در شرایطی که بالاترین نمره ی دزوس مربوطه را کسب کرده بودم، بهانه آوردند که تو کیفیت آموزشی ما را پایین آورده ای! یک سال دوندگی کردم و به این در و آن در زدم تا بلکه مسؤولان دانشگاه تربیت معلّم از لجاجت دست بردارند، اما چنین نشد. عزم سیاسی راسخی وجود داشت برای این که این قضیه حل نشود. از سوی دیگر دانشگاه مازندران از من نمره ی دروسی را که مهمان شدم، می خواست. نتیجه این شد که به سقف سنوات برخوردم و در نهایت با معدّل ۱۷، اخراج آموزشی شدم!

در تمام این ماجراها دعای خیر مادر و حمایت پدر و در این اواخر - که ازدواج کردم - دلگرمی و محبت همسر پشت و پناهم بود. در این مدت استادان و عزیزان بسیاری مرا بر خوان لطف و محبت خود مهمان کردند. کسانی میزبان من بودند که چه بسا اندیشه و رویکرد سیاسی مرا نمی پسندیدند، اما کریمانه مرا از انصاف و مروّت و جوانمردی خویش بهره مند ساختند. فرض خود می دانم که یاد آن ها را گرامی بدارم.

ابتدا از دکتر احمد رضایی، مدیر گروه جامعه شناسی دانشگاه مازندران نام می برم. پس از ایشان از دکتر قربانعلی ابراهیمی، استاد راهنمای عزیزم یاد می کنم. این دو بزرگوار، بسیار فراتر از یک استاد مرا مشمول لطف خود قرار دادند.

از دکتر میرزا نژاد، معاون آموزشی دانشگاه مازندران، دکتر منصور مسلم لکورچ، مدیر کلّ تحصیلات تکمیلی دانشگاه مازندران، دکتر حجّت صفار حیدری، معاون آموزشی دانشکده علوم انسانی و علوم اجتماعی دانشگاه مازندران، دکتر ایزدی، ریاست مرکز مشاوره دانشجویان دانشگاه مازندران، بسیار سپاسگزارم. همچنین از کارمندان محترم تحصیلات تکمیلی دانشگاه مازندران، به خصوص جناب آقای گرایلی که همواره با روی گشاده با من برخورد کردند، کمال تشکر را دارم.

آقایان دکتر حسین سراج زاده، دکتر علی ساعی و نیز سر کار خانم دکتر جواهری، از طریق رایزنی با مسؤولان دانشگاه تربیت معلّم در جهت حلّ مشکل بنده، صمیمانه و شجاعانه کوشیدند.



آقای دکتر تقی آزاد ارمکی که استاد مشاور این رساله هستند، از نخستین روزهای دانشجویی تا به امروز، پدرانۀ مرا پروردند. از استادان داور این پایان نامه که رنج خواندن آن را متحمل شدند، قدردانی می کنم.

در پایان، از خواهر مهربانم، سرکار خانم هدی شیرزاد که زحمت تایپ این پایان نامه را متقبل شد، فروتنانه تشکر می کنم؛ بدون کمک و لطف او، این پایان نامه به موقع به انجام نمی رسید. من سراپا از شرم محبت و لطف همه ی این عزیزان سوختم و با همه ی سختی ها ساختم. امیدوارم آن چه در قالب این رساله حاصل شده است، مقبول نظر افتد.

«والسلام»

۲۰ مرداد ۸۷

از این پایان نامه در تاریخ ۲۵ شهریور ماه ۱۳۸۷ هجری خورشیدی در دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران در بابلسر، در حضور هیأت داوران دفاع شد. در این جلسه، نماینده ی محترم تحصیلات تکمیلی پس از اعلام نمره ی پایان نامه، در توضیحی اعلام کرد که از نظر هیأت داوران این پایان نامه به لحاظ علمی ارزش نمره ی کامل دارد، ولی به دلیل این که دانشجو مقاله ای از این پایان نامه منتشر نکرده ۱ نمره، و به دلیل تجاوز از سقف سنوات تحصیلی، ۲ نمره از او کسر گردید. بنابراین به این پایان نامه، نمره ی ۱۷ تعلق گرفت.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> این توضیح را از این رو آوردم که خود، در مطالعه ی پایان نامه ها بسیار مشتاق بودم ببینم ارزیابی من تا چه اندازه با ارزیابی هیأت داوران منتطبق بوده است و تا چه میزان عوامل بروکراتیک، ساختاری و بعضاً غیر علمی در نمره ی پایان نامه ها دخیل بوده اند. البته من از دلسوزی داوران این پایان نامه بسیار سپاسگزارم و هیچ گلایه ای از ایشان ندارم و از این که مشمول لطف ایشان قرار گرفتم خدای مهربان را بسی شاکرم. امیدوارم این توضیح برای کسانی که به حوزه ی «جامعه شناسی جامعه شناسی» علاقه مندند، به کار آید.

## مقدمه:

رساله‌ی پیش‌رو بخشی از یک پژوهش گسترده‌تر تحت عنوان «سؤالات دولت ساخته» است. من تا همین اواخر درصدد بودم «سؤالات دولت ساخته» را به عنوان پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد ارائه‌دهم؛ اما به دلیل ضیق وقت، حجم زیاد مطالب و برخی ملاحظات و احتیاط‌ها بنا به توصیه‌ی استاد راهنمای محترم، از تصمیم خود صرف‌نظر کردم. امیدوارم بتوانم به یاری خداوند در آینده‌ای نزدیک این پژوهش را به صورت کتاب منتشر سازم. هر چند کوشیده‌ام این پایان‌نامه را به صورت یک پژوهش مجزاً ارائه‌نمایم، اما ممکن است در صفحات این رساله رده و نشانی از «سؤالات دولت ساخته» دیده شود. از این رو خالی از لطف و فایده نمی‌بینم که در این مقدمه، خلاصه‌ای از ایده‌ی «سؤالات دولت ساخته» را با شما در میان‌گذارم. به این امید که این مقدمه به فهم بهتر این رساله یاری رساند و پاسخی باشد برای این پرسش که چرا من به چنین پژوهش سخت و خسته‌کننده و در مواردی تلخ، تن در دادم.

به نظر من اصول روش تحقیق، به خصوص اسلوب مربوط به «طرح تحقیق نویسی» یا «فصل بندی تحقیقات» به دستور زبان می‌مانند. هر جمله‌ی دستورمندی واجد معنا نیست. من در این پژوهش<sup>۱</sup> به تأسی از چامسکی می‌خواهم بگویم: هر تحقیقی که مو به مو اصول روش تحقیق را به اجرا گذاشته باشد و آداب طرح تحقیق نویسی را تمام و کمال به جا آورده باشد، الزاماً معنا و ارزش علمی و جامعه‌شناختی ندارد. من با این نظر که «کاربست درست روش تحقیق، آلا و لابد ما را به نتایج صحیح و معرفت صادق از پدیده می‌رساند»، سخت مخالفم. تکیه‌ی صرف بر روش تحقیق و توقف در سطح تبیین علی، رهن حقیقت است. چامسکی تصریح می‌کند که هر فردی توانایی یادگیری دستور زبان را دارد و هابرماس معتقد است که هر فردی توانایی کاربردِ روای «گفته»‌ها را دارد. من متأثر از «توانش زبانی» و «توانش ارتباطی»، در این پژوهش می‌خواهم فروتنانه از توانایی دیگری سخن بگویم و آن را به کار برم: به نظر من هر دانشجوی جامعه‌شناسی نه تنها توانایی یادگیری روش تحقیق را دارد، بلکه می‌تواند کاربردِ روا و بجای آن را نیز فرا گیرد.

به نظر من بسیاری از تحقیقات جامعه‌شناسی در ایران صرفاً صورتی از تحقیق و فرمی از پژوهش دارند. جملگی دستورمندند. اما این که «آیا همگی روا نیز هستند یا نه؟»، برای بنده محلّ سؤال است.

<sup>۱</sup> در این مقدمه، منظور از عبارت «این پژوهش»، پژوهش من با عنوان «سؤالات دولت ساخته» می‌باشد.

من در این پژوهش، در مقیاسی بسیار کوچک تر و با بضاعتی بسیار کمتر، می خواهم همان هدفی را پی گیرم که استاد، یوسف اباذری، در «خرد جامعه شناسی» پی گرفته است. عمده هدف او در «خرد جامعه شناسی»، آشکار ساختن خرد جامعه شناسی و ایجاد تعادل میان معرفت های سه گانه است. "خرد جامعه شناسی از آنجا دارای اهمیت است که این خرد هیچ گاه تأمل در کنش اجتماعی را از دست نهد است."

به نظر من، جامعه شناسی ایران با وجودی که در ظاهر به بلوغ رسیده، اما هم چنان نابالغ است. گسترش کمی و کیفی جامعه شناسی ایران، هیچ نشان بلوغ نیست. نابالغ است چون ناتوان است در به کار گرفتن فهم خویشتن بدون هدایت دیگری. جامعه شناسی در ایران، بدون حمایت و حضور دولت، مرده است! این، عصاره ی این پژوهش، هشدار نسبت به آینده ی جامعه شناسی در ایران و دعوت به بلوغ آن است.

به قول بوردیو "جامعه شناسی که علوم دیگر را به پاسخگویی به پرسش از شالوده های اجتماعی شان دعوت می کند، نمی تواند خودش را از پاسخگویی به این پرسش معاف بدارد. استفاده از جامعه شناسی جامعه شناسی برای ایجاد نوع بهتری از جامعه شناسی [است.]" (بوردیو، ۱۳۸۶: ۲۰)

مسأله ی اصلی من در این پژوهش این است که «جامعه شناسان ایرانی، سؤالات خود را از کجا می آورند؟» فرضیه ام این است که دولت و حوزه ی سیاسی، سؤالات جامعه شناسی ایران را شکل می دهند؛ و متأثر از نظریه ی «استبداد ایرانی» کاتوزیان و تئوری پاتریمونیالیسم شهابی و لینز، معتقدم چون دولت ما، دولتی وابسته به درآمد نفت است، نه مالیات ملت، دست به گریبان مسائل و دغدغه هایی است که لزوماً مسائل و دغدغه های جامعه ی ایران و حتی در مواردی مرتبط با جامعه ی ایران نیست. به همین دلیل جامعه شناسان ایرانی در بسیاری موارد به مسایل و موضوعاتی اشتغال دارند که چندان ربطی به جامعه ی ایران ندارند یا دست کم، چندان دردی از دردهای جامعه را دوا نمی کنند. و این یکی از دلایل ناتوانی جامعه شناسی ایران، از پیش بینی جامعه ی ایران است. به نظر من، جامعه شناسان ایرانی بیش از آن که به مصالح جامعه توجه داشته باشند، خواسته یا ناخواسته به ساز مصالح دولت و قدرت متمرکز، دست افشانند.

من در این پژوهش، نظریه ی «استبداد ایرانی» کاتوزیان را مفروض می گیرم و بر مبنای آن پژوهش خویش را پیش می برم. کار من در این پژوهش، تحلیل گفتمان نیست. به این معنا که من به دنبال بررسی «چهار دعوی اعتبار» در گفتمان های جامعه شناسی ایران نیستم. من در این پژوهش صرفاً در پی معرفی و افشای گفتمان «سؤالات دولت ساخته» هستم. از این گفتمان سه